



شهردار شیراز:

آنچه امروز در حوزه اجرا
نیاز داریم، برابر بودن
مصوبات شورا با نیازهای
شهر است

صفحه ۴

چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸ ○ صفر ۱۴۴۱ ○ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۹ ○ سال بیست و پنجم ○ شماره ۲۶۳۶ ○ بها ۵۰۰۰ تومان



منطقه جنوب ایران (فارس/خوزستان/بوشهر/کهگیلویه و بویراحمد/هرمزگان)

مردمان مورچه‌ای؛
باور عجیب و اسرار آمیز تمدن‌های باستانی!



در این مقاله قصد داریم به موجوداتی ناشناخته بنام
مردمان مورچه‌ای بپردازیم که در باورهای برخی
از مشهورترین تمدن‌های باستانی که فرسنگ‌ها از
یکدیگر فاصله داشته‌اند...

صفحه ۸

آدرس سایت: www.tolounews.com پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com



همراه

با نمایش فیلم



سر کنسول ایران در کربلا:

زائران گمشده،
مشکل اساسی کنسولگری
ایران در کربلا هستند

صفحه ۲

وزیر نیرو:

۵۶ میلیون لیتر آب آشامیدنی
برای زائران تأمین شده است

صفحه ۲

رئیس سازمان صمت فارس:

تمام توان خود را برای رفع
مشکلات واحدهای صنعتی
به کار خواهیم گرفت

صفحه ۲

همراه با نقد و تحلیل این خبر

جهانگیری:

با هیچ‌یک از فعالان
بخش خصوصی
سر و سری ندارم

صفحه ۲



استاندار فارس در ستاد ساماندهی امور جوانان:

به نهضت فکری و
فرهنگی برای افزایش
نشاط نیاز داریم

صفحه ۱

۱۲ درصد پیشرفت مجتمع
۱۲ ساله توان بخشی
ایثار یاسوج!

صفحه ۳

بانوی ۲۵ میلیارد
تومانی دستگیر
شد

صفحه ۷

چالش ۱۱۳ برای همه روسای جمهوری ایران

«مردم رأی داده‌اند که رئیس‌جمهوری مسئول اجرای قانون اساسی باشد. اگر می‌خواهید این گونه نباشد از قبل به مردم بگویید و به رئیس‌جمهور بعدی بگویید در قانون اساسی هیچ دخالتی ندارد.»

این جملات را حسن روحانی در نشست خبری خود به زبان آورد و البته تازگی هم نداشت چون قبلاً هم در جمع روحانیون حوزه‌های علمیه خواستار «اختیارات ویژه» برای ریاست‌جمهوری در شرایط «جنگ اقتصادی» شده و گفته بود: «همان‌گونه که در جنگ هشت‌ساله اختیارات ویژه‌ای را از امام راحل گرفتیم و توانستیم جنگ را اداره کنیم و حتی موقعیت‌های بسیاری را به دست آوریم، امروز هم به چنین اختیاراتی نیاز داریم.»

البته این اولین باری نیست که یک رئیس‌جمهوری در ایران، از «اختیار نداشتن» خود سخن می‌گوید. از سال ۵۹ تا اکنون، مدام این صحبت‌ها از سوی روسای جمهوری ایران - به‌جز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - مطرح شده و احتمال دارد در سال‌های آینده هم باز مطرح شود.

اما همه این دعاها بر سر اصل ۱۱۳ قانون اساسی است. این اصل که روز ۲۳ مهر ۱۳۵۸ یعنی دقیقاً ۴۰ سال قبل در چنین روزی به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی رسید، بیان می‌کرد: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.» زمانی که این اصل داشت تصویب می‌شد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که سال‌ها بعد همین اصل محل چالش روسای جمهوری ایران شود. به همین خاطر بحث زیادی روی آن نشد و صرفاً توصیه‌هایی برای برخی اصلاحات شکلی صورت گرفت؛ مثلاً آیت‌الله مکارم شیرازی گفت به‌جای «رهبری» نوشته شود «مقام رهبری» و آیت‌الله یزدی هم گفت به‌جای اینکه نوشته شود «مستقیماً به رهبر مربوط می‌شود» بنویسیم «مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود». آیت‌الله بهشتی هم که ریاست جلسه را بر عهده داشت، بعد از اصلاحات پیشنهادی گفت «این اصل را می‌توانیم به رأی بگذاریم چون سرراست هم هست» و نهایتاً اصل ۱۱۳ با ۵۴ رأی موافق، یک رأی مخالف و دو رأی ممتنع به تصویب می‌رسد.

اما اتفاقات بعدی نشان داد که برخلاف تصور آیت‌الله

بهشتی، این اصل خیلی هم «سرراست» نبوده است. نخستین بار، ابوالحسن بنی‌صدر در سال ۱۳۵۹ در نامه‌ای خطاب به شورای عالی قضایی به خاطر صدور دستورالعملی مبنی بر جرم دانستن اعمالی و تعیین مجازات برای آنها، اعلام کرد «حسب وظیفه‌ای که به‌موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی بر عهده دارم به شورای عالی قضایی اخطار می‌کنم که از نقض قانون و تجاوز به حدود صلاحیت و وظایف قوه مقننه اجتناب کند».

در پی این نامه، آیت‌الله موسوی اردبیلی از طرف شورای عالی قضایی در ۱۲ آذر سال ۵۹ به شورای نگهبان نامه‌ای نوشت و در آن خواست که این شورا نظر خود را در این زمینه و اصولاً مفاد اصل ۱۱۳ و محدوده اختیارات ریاست‌جمهور اعلام کند.

شورای نگهبان نیز که در آن زمان آیت‌الله صافی گلپایگانی دبیر آن بود، روز ۸ بهمن همان سال در پاسخی کوتاه به این استفسار نوشت: «رئیس‌جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد.» و به‌این‌ترتیب در اولین چالش بین دو قوه درخصوص اصل ۱۱۳، شورای نگهبان حق را به رئیس قوه مجریه داد.

حدود یک سال بعد، آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳ دی سال ۶۰ درخصوص تشکیل یک واحد بازرسی ویژه جهت نظارت بر قانون اساسی از شورای نگهبان استعلام می‌کند و می‌نویسد: «رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی مکلف به اجرای قانون اساسی و شرع مقدس و... است. به نظر می‌رسد که انجام این مسئولیت بدون نظارت دقیق بر ارگان‌های اجرایی (اعم از قوه قضائیه و مجریه) امکان‌پذیر نیست.» شورای نگهبان گرچه تشکیل واحدی مجزا برای این کار یعنی نظارت بر قانون اساسی را مغایر با قانون اساسی می‌داند اما در پاسخ به نامه رئیس‌جمهوری می‌نویسد: «رئیس‌جمهوری می‌تواند از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظف‌اند توضیحات لازم را در اختیار ریاست‌جمهوری بگذارند. بدیهی است رئیس‌جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد اقدامات لازم را معمول دارد.» در این مورد هم شورای نگهبان حق اخطار و تذکر را برای رئیس‌جمهوری محفوظ می‌داند و حتی از «وظیفه» دستگاه‌ها برای پاسخگویی به رئیس‌جمهوری سخن

به میان می‌آورد.

در سال ۶۸ و با تشکیل مجلس خبرگان بازنگری قانون اساسی، اصل ۱۱۳ به این شکل تغییر می‌یابد: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.» تفاوت این اصل با اصل سابق این است که در اصل جدید، وظیفه «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» از وظایف رئیس‌جمهوری حذف شد.

در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این بحث یعنی موضوع اختیارات رئیس‌جمهوری و نظارت بر اجرای قانون اساسی چندان مطرح نبود یا اگر هم مطرح بود، علنی نمی‌شد اما در دوره ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی، بازم این موضوع خود را نشان داد.

او ۹ آذر ۷۹ گفت: «اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی متناسب با وظیفه وی برای اجرای این قانون نیست. من بعد از سه سال و نیم باید اعلام کنم که رئیس‌جمهور اختیار کافی برای اجرای این وظیفه مهم را ندارد.»

خاتمی سال ۸۱ نیز لایحه‌ای برای افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری به مجلس داد که البته یک سال بعد آن را پس گرفت. او اسفند ۱۳۸۲ درحالی‌که با چتر و زیر باران مصاحبه مطبوعاتی داشت، از شورای نگهبان به دلیل مخالفت با این لایحه انتقاد کرد و گفت: «این مردم ناظر می‌خواهند، سیاست‌گذار می‌خواهند ولی قیم نمی‌خواهند.»

خاتمی اضافه کرد: «لایحه اختیارات خودم را از مجلس پس خواهم گرفت و اعلام می‌کنم که با شکست روبرو شد. عیبی هم ندارد. برای مردم مشخص می‌شود که رئیس‌جمهورشان چه کسی است و چه اختیاراتی دارد. توقع را در همان حد برای آن بدانند و بدانند که در دیدگاه بعضی‌ها، رئیس‌جمهور اولین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری و مسئول اجرای قانون اساسی که سوگند یاد کرده از اسلام، حقوق و آزادی‌های مردم دفاع کند، نیست، بلکه رئیس‌جمهوری که تعبیر و تفسیر جدید می‌شود، تدارک‌انچی دستگاه‌های دیگر است.» و لقب «تدارک‌انچی» در فرهنگ سیاسی ایران جای گرفت. گرچه خاتمی ۱۹ اسفند ۱۳۸۷ یعنی ۵ سال بعد، درباره این عبارت گفت: «من نگفتم تدارک‌انچی هستم. گفتم آن‌هایی که رئیس‌جمهور را

فقط رئیس دولت می‌دانند نه مجری قانون اساسی، می‌خواهند رئیس‌جمهور تدارک‌انچی باشد.»

اما سومین چالش اساسی که موجب اعلام سومین نظر تفسیری شورای نگهبان درخصوص اصل ۱۱۳ شد، بین محمود احمدی‌نژاد و آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه رخ داد. ماجرا از این‌قرار بود که در پی بازداشت علی‌اکبر جوان فکر مشاور احمدی‌نژاد و انتقال وی به زندان اوینف رئیس‌جمهوری وقت تقاضای بازدید از زندان اوین را مطرح کرد و وقتی این مخالفت رئیس وقت قوه قضائیه، روبه‌رو شد، بازم بحث اصل ۱۱۳ و وظیفه نظارتی رئیس‌جمهور را پیش کشید.

ناگفته نماند که احمدی‌نژاد در سال ۸۱ و همزمان با ارائه لایحه افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری توسط خاتمی، گفته بود: «این لایحه نافی اصل تفکیک قواست و این دغدغه وجود دارد که قوه مجریه که امکانات، پول و قدرت را در اختیار دارد از طریق این لایحه بخواهد امتیاز ویژه‌ای برای خود احرارز کند.»

به‌هرحال وقتی احمدی‌نژاد دید آملی لاریجانی کوتاه نمی‌آید، ۱ آبان ۹۱ در نامه‌ای سرگشاده و مفصل در پاسخ به نامه «خیلی محرمانه» رئیس وقت قوه قضائیه نوشت: «به استناد اصول متعدد قانون اساسی ازجمله اصل ۱۱۳ و سوگند شرعی اصل ۱۲۱، مصمم به اجرای کامل قانون اساسی و اصلاح اساسی و ریشه‌ای امور کشور هستم و مطمئناً با سرکشی از زندان‌ها و برخی دادگاه‌ها نحوه اجرای اصول قانون اساسی و رعایت حقوق اساسی ملت را موردبررسی قرار داده و گزارش آن را به ملت بزرگ و مقام معظم رهبری تقدیم خواهم کرد.»

آملی لاریجانی هم در روز بعد در نامه‌ای سرگشاده و نسبتاً تند، نوشت: «اگر بنا به فهم شما از اصل ۱۱۳، رئیس‌جمهور مجری قانون اساسی است و معنایش هم

این است که همه نهادها و دستگاه‌ها و قوای مذکور در قانون اساسی مشمول این اجرا می‌گردند، بفرمایید معنای استقلال قوا از یکدیگر چیست؟»

او همچنین به نظریه تفسیری شورای نگهبان در این زمینه اشاره کرد؛ نظریه‌ای که ۱۲ تیر همان سال و در پی استفسار عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان شورای نگهبان ارائه شد و این شورا به‌صراحت اعلام کرد: «مقصود از مسئولیت اجرا در اصل ۱۱۳ قانون اساسی، امری غیر از نظارت بر اجرای قانون اساسی است» و «مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای محول کرده است.»

به‌هرحال این نظریه در حال حاضر حاکمیت دارد و روز گذشته نیز حسن روحانی درباره آن گفت: «شورای نگهبان در مورد اصل ۱۱۳ قانون اساسی تفسیری کرده که تقریباً این اصل را بی‌اثر کرده است. گو اینکه اصل صد و سیزدهمی نداریم. با تفسیری که شورای نگهبان می‌کند بنده به‌عنوان رئیس‌جمهور به مجلس تذکر می‌دهم، رئیس مجلس پاسخ می‌دهد که طبق نظر شورای نگهبان این‌چنین است و وقتی به رئیس قوه قضائیه تذکر می‌دهم او در پاسخ به من می‌گوید طبق تفسیر شورای نگهبان فلان است. تفسیری که شورای نگهبان می‌کند این است که هرجایی یک مسئول مستقیمی ندارد، مثل اموال بلاصاحب، آنجا رئیس‌جمهور باید دخالت کند؛ یعنی چه؟ مگر داریم همچنین چیزی؟ هر کاری و هر چیزی مسئولی در این کشور دارد. پس این اصل را برای چه وضع کردند؟»

